

وضع موجود حفظ می شود: کومکن* (Comecon)

مترجم: رشید اصلانی

برای سران ده کشور عضو کومکن - یعنی شوروی، شش متحدش در اروپای شرقی؛ به اضافه کوبا، ویتنام و مغولستان - گردهمایی در مسکو، رخدانی بزرگ بود.

از سال ۱۹۶۹ به بعد، این نخستین بار بود که موضوع گردهمایی سران احزاب کمونیست این کشورها، که عالیترین مقامهای کشور خود نیز هستند، به کومکن محدود می شد.

گردهمایی در سمت و سوی حرکت این کشورها هیچ تغییر ریشه‌ای پدید نیاورد. نزکت‌کنندگان، به رغم جنجال اخیر سیاسی و اقتصادی در روابط تجارت شرق و غرب و بی‌توجهی به سیاست خودکفایی "درون نگرانه"، قصد خود را به توسعه روابط تجاری با یکدیگر، اعلام کردند، و برای مقابله با محدودیتهای غرب، بر همکاری بیشتر میان اعضا، در زمینه صنعت الکترونیک و ساخت آدم مصنوعی (روبات) تأکید نمودند. در مورد خط‌مشی اقتصاد داخلی هم، از هیچ نوع اصلاحی سخن به میان نیامد.

اما، رهنمودهای مهمی عنوان گردید که شرایط و اساس تجارت شوروی و متحدان شرقی‌اش را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همین رهنمودها در شکل‌گیری برنامه پنج ساله آینده کومکن (۱۹۹۰ - ۱۹۸۶) موثر خواهد بود.

این حرکت به‌روشنی نشان دهنده احساس نومی‌دی شوروی است، از اینکه بتواند در مقابل منابع انرژی و مواد خام خود، که استخراج آنها در دور دستهای شرق کشور مشکلتر می‌شود، بازده کافی به دست آورد.

از این پس، اروپای شرقی، تنها هنگامی می‌تواند به انرژی و مواد خام شوروی، کاملاً مطمئن

* David Buchan. "No marked shift in trading patterns." *Financial Times*. Sept. 17, 1984. P.12.

1. Council for Mutual Economic Assistance.
2. Reform

باشد که در عوض مواد غذایی و کالاهای مصرفی صنعتی بیشتر و ماشین آلات و ابزار با کیفیت مرغوبتر برای شوروی فراهم کند.

اعلامیه^۱ مبهم

رهایی از این تعهد جدید، برای کشورهای اروپای شرقی، دشوار است. اعلامیه^۲ "کومکن"، که کلاً مبهم بود، در این مورد خاص (تعهد کشورهای اروپای شرقی - م. ۰) از صراحت برخوردار بود. اما انجام تعهد هم شاید به همان اندازه مشکل باشد. زیرا که کشورهای اروپای شرقی، به تازگی، به دوره^۳ جدیدی از استحکام اقتصادی قدم گذاشته‌اند و مالیه آنها (به استثنای لهستان) در وضع بسیار بهتری است. لکن پایه صنعتی این کشورها، به دلیل قطع یکباره^۴ سرمایه‌گذارها، از دهه ۱۹۷۰ نیز متزلزلتر شده است.

برخی از ارقام این توسعه نامتوازن را به خوبی تصویر می‌کند:

بر پایه^۵ تخمینهای مؤسسه تحقیقاتی اقتصادی سنجی وارتن^۱، که یک سازمان آمریکایی است، شش کشور اروپای شرقی عضو کومکن، موازنه ارز تجاری خود را از ۴ میلیارد دلار کسری در سال ۱۹۸۰، به ۵/۳ میلیارد دلار مازاد در سال گذشته تبدیل کرده‌اند. طی همین مدت، حساب ارزی آنان از ۷/۶ میلیارد دلار کسری به ۲ میلیارد دلار مازاد تغییر نموده است.

شوروی، که هیچ وقت به اندازه^۶ همیمانان کوچکترش، با کسری مواجه نبوده است، امور ارزی خود را به یک مازاد تجاری ۵/۵ میلیارد دلار و مازاد حساب جاری ۴/۶ میلیارد دلار، در سال گذشته، بهبود بخشیده است.

بر اساس برآورد مؤسسه مطالعات تطبیقی اقتصادی وین^۲، اعضای هفتگانه کومکن، (شوروی + ۶ کشور اروپای شرقی - م. ۰) در مجموع، بدهی خالص ارزی خود را از ۷۱/۳ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۸۲ به ۶۳/۳ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۸۳ کاهش داده‌اند.

اما، الگوی کار، بین اروپای شرقی و شوروی، در اقتصاد داخلی آنها، متفاوت است. در حالی که رشد درآمد ملی، در سال گذشته، بعد از دو سال کاهش (۱۹۸۱) و وقفه (۱۹۸۲)، به طور متوسط ۳/۳ درصد افزایش پیدا کرد، و به سطحی رسید که بارشد درآمد ملی شوروی یعنی ۳/۶ درصد قابل مقایسه شد. محل کاربرد این رشد تفاوت داشت. برخلاف شوروی، اغلب کشورهای اروپای شرقی، بخش عمده^۷ افزایش بازده خود را، به سمت صادرات هدایت نمودند. و باز، برخلاف شوروی، ناچار بودند

1. Wharton Econometric Econometrics.
2. Vienna Institute for Comparative Economic Studies

سرمایه‌گذارهای خرد را متوقف کند تا سطح زندگی صرف‌کننده حفظ شود.

توقف سرمایه‌گذاری

همه‌شش کشور اروپای شرقی، در سال ۱۹۸۲، سرمایه‌گذاری را متوقف ساختند. ولی در این میان لهستان و آلمان شرقی مستثنی بودند. لهستان به دلیل این که نمی‌توانست کاهش بیشتری اعمال کند و آلمان شرقی به دلیل مجاورت با آلمان غربی، دوباره در سال گذشته به چنین عملی دست زد.

از این دیدگاه و با توجه به این حقیقت که صادرات نفت شوروی، یعنی مهمترین صادراتش به اروپای شرقی، افزایش یافته است، باید در توانایی کشورهای عضو کومکن به انجام تعهدات خود تردید کرد.

مسکو انتظار دریافت کالاهای صنعتی و مواد غذایی بیشتری، از اروپای شرقی دارد. اما صادرکنندگان مواد غذایی منطقه (مجارستان و بلغارستان) نمی‌توانند ماراد قابل توجهی از مواد غذایی را، از تولیدکنندگان برای صدور، طلب کنند، در حالی که رومانی می‌تواند این کار را بکند. و در کشورهای دیگر مانند لهستان، که به نوعی اصلاح و سرمایه‌گذاری غربی در دست اقدام دارد، بازار داخلی، افزایش تولید مواد غذایی را - به هر اندازه که باشد - خواهد بلعید.

مسکو، تا حدودی به حق، شکوه می‌کند که کشورهای اروپای شرقی مایلند تولیدات صنعتی مرغوب خود را انبار کرده و به غرب بفروشند و محصولات پست‌تر را به شوروی عرضه کنند. اما باید دانست که نیازهای اغلب کشورهای اروپای شرقی به وام، چنین عملی را توجیه می‌کند. زیرا در غیر این صورت قادر به تأمین ارز مورد نیاز خود نخواهند بود.

در واقع، اگر اروپای شرقی بخواهد کیفیت ماشین‌آلات و تجهیزات خود را بهبود بخشد - مسکو نیز چنین می‌خواهد - به ارز معتبری نیازمند است تا فنون (تکنولوژی) و معلومات مورد نیاز خود را از غرب خریداری نماید. از این رو اروپای شرقی در وضعیتی قرار دارد که برای کسب پول به هر اقدامی دست بزند. و نتیجه محتمل این گرایشهای متناقض آنست که در الگوی تجارت با غرب هیچ تغییری روی ندهد.